



Paper type:
Research paper

Abstract

The Conceptual Model of Desirable Internal Change Based on the Holy Quran: Inference of Educational Principles*

■ Somayya Papi¹ ■ Sayyid Jalal Hashemi² ■ Parvaneh Valvi³ ■ Mas'oud Safa'ie Moqaddam⁴

- **Objective:** The first step in improving the unfavorable situation of a society is to change both the education system and its basis, namely human beings. Therefore, the present study seeks to infer the educational principles of desirable internal changes in the inner aspects of personality (such as beliefs, desires, and emotions) so that people can receive these trainings and use them as a practical guide in order to make a desirable situation at both an individual level and a social level.
- **Method:** This study was performed through the inferential method with Frankena's reconstructed model. The study population consisted of the authentic sources of Islam, including the Holy Quran and "Noor" and "Al-Mizan" exegeses. The data were collected after reading the texts and taking notes.
- **Findings:** The results demonstrated that based on the Holy Quran mankind as a free and independent being is able to consciously and eagerly choose the path of change in the desired direction and attain nearness to God as the ultimate objective or goal destined for him.
- **Conclusion:** the educational principles extracted are as follows: Belief in the Existence of a Conscious God, Belief in the Resurrection, Gradual and Step-by-Step Change, Standardized agency, liberty, Honoring Human's Personality, Responsibility, Paying Serious and Active Attention to Nature, Taking Lessons, Grounding for Desired Change and Growth, Using the Tools of Knowledge.

Keywords: Inferential analysis, educational principles, change, desirable internal change





■ **Citation:** Papi, S, Hashemi, S.J. Valvi, P, & Safa'ie Moqaddam, M.(2022). The Conceptual Model of Desirable Internal Change Based on the Holy Quran: Inference of Educational Principles, *Applied Issues in Islamic Education*,7(2): 7-31

Received: 2021/11/25

Accepted: 2022/04/30

Published: 2022/07/16

* This article is extracted from the Ph.D. dissertation on Philosophy of Education, written by the first author of the article.

1. A Ph.D. in Philosophy of Education, the Department of Educational Sciences and Psychology, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran.
E-mail: Spapi67@gmail.com  0000-0001-9839-798X
2. **Corresponding Author:** An Assistant Professor in the Department of Educational Sciences, Department of Educational Sciences and Psychology, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran.
E-mail: j.hashemi@scu.ac.ir  0000-0001-8500-0517
3. An Associate Professor in the Department of Educational Sciences, the Department of Educational Sciences and Psychology, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran.
E-mail: P.valavi@scu.ac.ir  0000-0001-7052-3681
4. A Professor in the Department of Educational Sciences, the Department of Educational Sciences and Psychology, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran.
E-mail: M_safaei@scu.ac.ir  0000-0002-5843-0148





پژوهشگاه مطالعات
آموزش و پرورش



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش
و برنامه‌ریزی آموزشی



پژوهشگاه
تعلیم و تربیت

الگوی مفهومی تغییر درونی مطلوب بر پایه قرآن کریم: استنتاج اصول تربیتی^۱

سمیه پای^{*} ■ سید جلال هاشمی^{**} ■ پروانه ولوی^{***} ■ مسعود صفایی مقدم^{****}

چکیده

- هدف: گام نخستین در بهبود بخشی به وضعیت نامطلوب و نابسامان یک جامعه، تغییر در سیستم آموزش و پرورش آن جامعه و تحول در اساس آن سیستم یعنی انسان است. بدین منظور پژوهش حاضر به استنتاج اصول تغییرات درونی مطلوب در ساحت درونی شخصیت افراد (باورها، احساسات و خواسته‌ها) پرداخته است تا افراد بتوانند با دریافت این آموزش‌ها و قرار دادن آن‌ها به عنوان راهنمای عمل خویش، وضعیت مطلوبی در سطح فردی و اجتماعی فراهم آورند.
- روش: این پژوهش با به کارگیری صورت بازسازی شده الگوی استنتاج عملی فرانکنا انجام شد. جامعه مورد تحلیل، منابع اصیل اسلامی یعنی قرآن کریم به همراه تفاسیر (نور و المیزان) بود که پس از متن خوانی و فیش برداری اطلاعات مورد نظر هدفمندانه گردآوری شدند.
- یافته‌ها: مطابق یافته‌های حاصله، بر پایه قرآن کریم، انسان به عنوان موجودی آزاد و مختار قادر است با انتخاب آگاهانه و مشتاقانه مسیر تغییر خود در جهت مطلوب را فراهم آورد و به قرب‌الی‌الله (هدف غایی) نائل آید.



□ تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۴/۲۵

□ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۱۰

□ تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۰۴

۱. این مقاله برگرفته از پایان‌نامه دکتری رشته فلسفه تعلیم و تربیت نویسنده اول مقاله می‌باشد.

□ دکتری فلسفه تعلیم و تربیت، گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران.

E-mail: Spapi67@ymail.com ID 0000-0001-9839-798X

□ نویسنده مسئول: استادیار گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران.

E-mail: j.hashemi@scu.ac.ir ID 0000-0001-8500-0517

□ دانشیار گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران.

E-mail: P.valavi@scu.ac.ir ID 0000-0001-7052-3681

□ استاد گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران.

E-mail: M_safaei@scu.ac.ir ID: https://orcid.org/0000-0002-5843-0148

● **نتایج:** اصول مستخرج عبارت‌اند از: باور به وجود خدای آگاه، اعتقاد به معاد، تغییر تدریجی و گام‌به‌گام، عاملیت معیارمند، آزادی، تکریم شخصیت انسان، مسئولیت‌پذیری، توجه جدی و فعالانه به فطرت، عبرت‌گیری، زمینه‌سازی برای تغییر و رشد مطلوب، به کارگیری ابزار معرفت.

واژه‌گان کلیدی: تحلیلی استنتاجی، اصول تربیتی، تغییر، تغییر درونی مطلوب

مقدمه

درون‌مایه انسان، اساس حرکت تاریخ و پایهٔ روبنای اجتماعی (روابط، سازمان‌ها، اندیشه‌ها و ...) است. روبنای اجتماعی (محیط برونی انسان) با زیربنا و جهانی که انسان را در میان گرفته در ارتباط است. سید محمد باقر صدر در تفسیر آیهٔ ۱۱ سورهٔ رعد: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» معتقد است که محتوای درونی انسان اساس حرکت تاریخی و روبنای جامعه است و رابطه بین زیربنا و روبنا، رابطهٔ سبب و مسبب است. دگرگونی در روبنای اجتماعی جز در پرتو دگرگونی درونی افراد و تحول روحی و فکری آن‌ها، امکان‌پذیر نیست. بنابراین، از آن‌جا که باورها و امورات قلبی انسان‌ها بر دگرگونی جامعه و دگرگونی جهان هستی و طبیعی که انسان را احاطه کرده اثر دارند، برای ایجاد هر تغییری در محیط و جامعه پیرامونی انسان، باید باورها و امورات درونی انسان‌ها را دگرگون نمود (صدر، ۱۳۶۹: ۱۸۱). به زعم محمد باقر صدر، فرآیند تغییر در روبنا و زیربنا و در محتوای درونی و برونی باید دوش به دوش هم انجام گیرد. براساس منابع اسلامی، فرآیند ساختن دل، اندیشه، اراده و آرزوهای انسان و پرداختن او به محتوای درونی، [از یکسو] و فرایند پرداختن به محتوای برونی یا روبنا [از سویی دیگر] باید در کنار یکدیگر باشد و نمی‌توان دو بنای برونی و درونی را جدا از هم دانست، در غیر این صورت، بنای ظاهری و برونی، بنایی در حال فروپاشی و لرزان خواهد بود (صدر، ۱۳۶۹).

در حوزهٔ تعلیم و تربیت، تربیت به معنای هدایت و راهنمایی فرد و نشان دادن جهت خیر و شر به او است. این معنا از تربیت در واقع اساس و پایهٔ کمال‌طلبی و حقیقت‌جویی در افراد می‌باشد که افراد در آن دارای آزادی، اختیار و حق انتخاب هستند. افراد در طی جریان تربیت و پیمودن سیر کمال با اوج گرفتن از مرحله‌ای به مرحلهٔ دیگر درنهایت

خواهند توانست خداگونه شده و رنگ خدایی به خود گیرند (ملکی، ۱۳۹۰). بر این اساس می‌توان گفت که تربیت اسلامی، تلاشی در راستای ربوبی شدن انسان است؛ یعنی خدا را به‌عنوان رب برگزیدن، خروج فرد از سلطه عوامل محیطی، اجتماعی و غریزی (باقری، ۱۳۸۶: ۶۱). به عبارتی، انتقال جان آدمی از حیات حیوانی به حیات معقول و از حیات معقول به حیات الهی. بر این اساس صیورت جان آدمی به سوی حیات طیبۀ الهی که خود مستلزم فراهم آوردن تغییرات درونی مطلوب در افراد است به‌عنوان جریان مرکزی تربیت اسلامی قلمداد می‌شود.

در این پژوهش، منظور از تغییر درونی مطلوب در انسان، تغییراتی در ساحات درونی انسان (تغییر در عقاید و باورها، احساسات و عواطف، اراده و خواسته‌ها) است که در این حالت تغییر درونی مطلوب با فرایند کلی تربیت همسو می‌باشد. مطابقت تغییر درونی مطلوب با قرآن و تفاسیر آن به معنای استناد توجیه پذیر خطوط کلی و دلالت‌های تغییر درونی مطلوب است. به‌همین رو تغییرات بیرونی و نامطلوب در انسان - و یا تغییراتی با معیارهای جانبی دیگر - در حاشیه قرار می‌گیرند.

همچنین از آن‌جا که تغییر و تحول انسان در قرآن کریم مبتنی بر پیش‌فرض گرفتن عواملی چون خودآگاهی انسان، مختار بودن او در هدف‌گذاری و عاملیت و توانایی او بر تغییر، و مسئول بودن او در ایجاد تغییرات نامطلوب و یا مطلوب در احوال و زندگانی خود است و اغلب فرایندهای ذهنی و افعال انسان از نوع عمل تلقی شده که دارای سه مبدأ شناختی، گرایشی و ارادی برای عمل انسان است (باقری، ۱۳۹۵: ۲۸۳-۲۵۹). در پژوهش حاضر، تغییر به‌عنوان یک عمل اختیاری که از انسان عامل سر می‌زند و دارای سه مبدا معرفتی، عاطفی و ارادی است در نظر گرفته می‌شود.

در آموزش و پرورش، تغییر درونی و فرهنگی و تغییر در هویت افراد، آراء، عقاید و باورهای آن‌ها یعنی تغییر باورها، عواطف، احساسات و خواسته‌های نابجا و نامعقول مردم به باورها، عواطف، احساسات و خواسته‌های بجا و معقول و پیامدهای این تغییرات در سطوح فردی و اجتماعی موردنظر است. با عنایت به اینکه جامعه متشکل از افراد است و هرگونه صلاح و مفسده که در جامعه با آن روبه‌رو هستیم به صلاح و فساد افراد آن جامعه باز می‌گردد، گام اول در بهبود بخشیدن به وضعیت نامطلوب یک جامعه فاسد و نابسامان، تغییر در سیستم آموزش و پرورش آن جامعه و تحول در اساس آن سیستم یعنی انسان

است؛ چنانچه گام ابتدایی در تباهی هر جامعه فاسدسازی نظام آموزش و پرورش آن است. بنابراین هر سیستم حکومتی که در تلاش برای ایجاد یک جامعه سالم و مطلوب است با تمرکز بر سرمایه گذاری در آموزش و پرورش و تربیت انسان سالم و تأکید بر فرهنگ فردی و ایجاد تغییرات درونی مطلوب در افراد می تواند زمینه ساز تحولات عظیم و بیشماری در دیگر نهادها واقع شود. نتایج حاصل از این مطالعه می تواند جهت طراحی استراتژیها و برنامه های تربیتی و مراقبتی مرتبط با خودتربیتی و مدیریت تربیت خویشتن و همچنین برای بهبود کیفیت زندگی نوع انسان مفید واقع شود. لذا در این پژوهش تلاش می شود تا با بهره گیری از رویکرد استنتاجی، الگوی مفهومی تغییر درونی مطلوب با تأکید بر استنتاج اصول برای نیل به قرب الهی به عنوان هدف غایی در تعلیم و تربیت اسلامی صورت بندی و تدوین شود.

پیشینه پژوهش

درباره موضوع تغییر پژوهش های مختلفی انجام شده است اما پژوهشی که مستقلاً در رابطه با موضوع تغییر درونی مطلوب در انسان باشد به صورت مستقل یافت نشده است. سلمان ماهینی و فرامرز قراملکی (۱۳۹۴) در پژوهش خود نتیجه گرفتند که علامه طباطبایی سلامت نفس و رشد و کمال آن را در گرو شاکله دانسته است. از دید او، شاکله همان علت درونی و زیرساخت رفتار است. پذیرش تأثیر شاکله در رفتار به معنای رد ایده جبری بودن رفتار است. به منظور ایجاد هرگونه تغییر در زیرساخت و در رفتار از اهرم تربیت می توان استفاده نمود. در این دیدگاه، عاملیت انسان بیانگر امکان و ضرورت تغییر و شکل گیری آگاهانه و اختیاری ثانویه شاکله است. عموری و باوان پور (۱۳۹۴) در پژوهش خود بیان کردند که اراده انسانی در دو جهت خیر و شر قرار می گیرد. اراده خیر انسان همانند اراده اصلاح و تغییر، نصیحت، تلاش برای آخرت، خویشتن داری و شکیبایی و اراده شر او همانند اراده او به گمراهی، نیرنگ، فریب، فجور، جنایت، قتل، جبر، الحاد و ولایت کفار است. هلت^۱ و همکاران (۲۰۰۷) در پژوهش خود بیان کردند که آمادگی افراد برای پذیرش تغییر، نقطه آغازین فرایند تغییر است و هرچه که این آمادگی بیشتر باشد پیاده سازی تغییرات آسان تر بوده و مقاومت کمتری

1. Holt

در قبال آن صورت خواهد گرفت. رافرتی^۱ و همکاران (۲۰۱۳) در پژوهش خود نتیجه گرفتند که در تمامی سطوح به منظور ارائه هرگونه تعریف از تغییر و یا سنجش میزان آمادگی برای نیل به آن، پرداختن به ابعاد عاطفی و شناختی از اهمیت بسیار برخوردار است. در حالی که بیشترین مباحث مطروحه در باب آمادگی تغییر صرفاً به بررسی بعد شناختی آمادگی افراد پرداخته و به بعد گرایشی و عاطفی کم توجهی نموده‌اند. در تشکیل و ارزیابی نگرش افراد، ابعاد معرفتی و گرایشی دارای نقش‌های متفاوتی بوده و به اشکال مختلفی با رفتار افراد ارتباط می‌یابند، از این رو توجه توأمان به هر دو بعد ضروری می‌نماید.

نتایج پژوهش‌ها بیانگر آن است که انسان کارگزار تغییر بوده و برای ایجاد هر نوع تغییری لازم است ابتدا عادات، باورها، آرمان‌ها و نگرش‌های افراد متحول شود. توجه به بعد شناختی و عاطفی نگرش‌ها و ایجاد گرایش‌های مثبت در افراد بر رفتار مطلوب و عملکرد مثبت آن‌ها اثرگذار است. هم چنین بررسی پژوهش‌های انجام شده نشانگر آن است که برخی از پژوهش‌ها، اشارات غیرمستقیم و مختصری به موضوع تغییر درونی از جنبه مطلوب داشته‌اند. اما پژوهشی که به ارائه الگوی مفهومی و استنتاج اصول تغییر درونی مطلوب در نظام تربیتی اسلام پرداخته باشد، یافت نشد و رویکرد پژوهش حاضر به تغییر درونی مطلوب و اصول آن نوآورانه قلمداد می‌شود. احتمالاً یافته‌های پژوهش حاضر می‌تواند در فهم چگونگی تغییر درونی مطلوب در فرد و به تبع آن در جامعه مدد برساند، و نتایج پژوهش پیش روی مبنایی برای درک و ایجاد تغییر و تحول در سطح خرد (فردی) و کلان (اجتماعی) خواهد بود.

سوالات تحقیق

سوالات این پژوهش عبارت‌اند از:

۱. مطابق قرآن و تفاسیر آن، مفهوم تغییر درونی مطلوب در انسان چیست؟
۲. اصول تربیتی تغییر درونی مطلوب در انسان بر پایه قرآن کریم کدامند؟ (تدوین الگوی مفهومی تغییر درونی مطلوب با تأکید بر استنتاج اصول تربیتی)

روش‌شناسی تحقیق

در این پژوهش، سعی می‌شود با استفاده از رویکرد استنتاجی یا قیاس عملی فرانکنا و صورت بازسازی‌شده آن (باقری، ۱۳۸۹)، اهداف و اصول تربیتی تغییر درونی مطلوب در انسان استنتاج و ارائه شود؛ اصولی که به‌کارگیری آن‌ها، زمینه تغییر و بهبود بخشی به وضعیت نامطلوب اندیشه و عمل افراد و اجتماعات را فراهم می‌سازد. در رویکرد استنتاجی، از ترکیب مقدماتین با هم می‌توان به استنتاج اصلی دست یافت. اصل ماهیتی بایدی و هنجارمند داشته و به‌همین‌رو با مبنا که دارای ماهیتی توصیفی و دربردارنده هست‌هاست، تفاوت دارد. بر این اساس، اصل تربیتی عبارت است از: «قاعده عامه‌ای که به‌عنوان یک دستورالعمل کلی قابلیت استفاده و به‌کارگیری در تدابیر و برنامه‌های تربیتی را به‌عنوان نقشه و راهنمای عمل دارد. تربیت به‌منزله فرآیندی است که در عمل بروز می‌یابد و دارای نتایج کاربردی است. از این جهت، هرگونه تلاش نظری در چارچوب مفهومی باید ناظر به فواید عملی باشد. اصل تربیتی، به‌عنوان آخرین مرحله نظر و سرآغاز نخستین مرحله عمل تربیتی، مهم‌ترین نقشی است که ضرورت وجود اصول را در نظام تربیتی تبیین می‌کند (باقری، ۱۳۸۶: ۴۲). برای استنتاج اصول تغییر درونی مطلوب در حوزه تعلیم و تربیت، باید قیاسی عملی شکل داد. در اینجا سطوح و زیر مجموعه‌هایی از تغییر درونی مطلوب (یعنی قرب‌الی‌الله)، در مقدمه نخست قیاس به‌منزله امری تجویزی قرار می‌گیرد. مقدمه دوم قیاس، به‌منزله اموری توصیفی، خواهد بود (گزاره توصیفی و واقع‌نگر). نتیجه قیاس، اصول تربیت و به‌شکل تجویزی می‌باشند؛ بنابراین از متن آیات و تفاسیر است که محتوای مقدمات قیاس و به‌تبع آن‌ها استنتاج‌های عملی تدوین می‌شود (باقری، ۱۳۸۹: ۱۲۶-۱۲۳). در اهداف تربیتی، آنچه مورد نظر بوده است شأن تعالی‌یابی معنوی تغییر درونی مطلوب است که وجهی از آن در هر قیاس، به‌ویژه در مقدمه‌های نخست، مورد توجه قرار گرفته است. به‌علت تفاوت میان روش‌های فلسفی و سایر روش‌های پژوهش، از شیوه‌های اعتبارسنجی برای روش‌های فلسفی استفاده نمی‌شود. با این حال در پژوهش حاضر، مقدماتی که در گزاره‌ها ذکر شده‌اند حد واسط میان تغییر درونی مطلوب و قرب‌الی‌الله (هدف غایی) می‌باشند و برگرفته از آیات قرآن و مطابق با فهم مراد آن‌ها می‌باشند و همین مطابقت گزاره‌ها با قرآن برای اعتبار بخشی به آن‌ها می‌تواند مورد توجه قرار گیرد. معیار اعتبار برای گزاره واقع‌نگر و توصیفی نیز مطابقت این گزاره‌ها با فضای کلی

قرآن است. همچنین، عقل سلیم محتوای این گزاره‌ها را بدیهی و مسلم فرض می‌کند. در رابطه با اعتبار نتیجه نیز می‌توان به استنتاج نتایج از مقدمات اشاره نمود و اینکه نتیجه با مقدمات خود هم‌رنگ و هم‌صبغه است. عامل اعتباربخش دیگر اینکه نویسندگان مقاله حاضر استادان تربیت اسلامی و آشنا با روش‌های پژوهش فلسفی هستند و همه استنتاج‌ها را ملاحظه نموده و تأیید کرده‌اند.

جامعه مورد تحلیل در این پژوهش، منابع اصیل اسلامی یعنی قرآن کریم به همراه تفاسیر آن (تفسیر المیزان و تفسیر نور) می‌باشد که پس از متن خوانی از بخش‌هایی که به موضوع تغییر درونی مطلوب اشاره داشتند به‌صورت هدفمند فیش‌برداری و اطلاعات موردنظر گردآوری شد.

یافته‌های مربوط به سؤالات پژوهش

۱. گزاره‌های مفهوم تغییر درونی مطلوب در انسان

در پژوهش حاضر مطابق با متن قرآن و تفاسیر آن، تغییر درونی مطلوب در انسان به این صورت تعریف می‌شود: «عملی که در آن انسان با عاملیت خویش و به‌کارگیری فهم و اراده و اختیارش و هم‌سو با شناخت و تمایل فطری‌اش، درصدد ایجاد تغییر و تحولات در باورها، عواطف، احساسات، خواسته‌هایش به‌صورت هماهنگ با معیارهای ربوبی است و می‌کوشد از طریق حذف عقاید و نیات درونی نامطلوب و غیرهماهنگ با تعالیم و حیانی، اندیشه و عملش را سازآور و منسجم نموده، و در مسیر دریافت نعمت‌های الهی و کمال خود یعنی قرب‌الی‌الله قدم گذارد».

محورها و نکات مهم این تعریف عبارت‌اند از:

۱. هدف غایی تغییر درونی مطلوب در فرد، برای قرار گرفتن او و جامعه در مسیر کمال و در نهایت قرب‌الی‌الله است.

۲. تغییر و حرکت درونی در فرد، برای خروج از وضع نامطلوب یعنی ناهماهنگ با معیارهای الهی به وضع مطلوب فرد و جامعه یعنی هماهنگ با معیارهای ربوبی است.

۳. انسان مبدأ و عامل تغییر تلقی می‌شود و تا او اراده نکند و نخواهد، تغییر درونی و بیرونی حاصل نمی‌شود.

۴. هرگونه تغییری در گرو تغییر درونیات فرد (باورها، گرایش‌ها و اراده‌ها) است.
 ۵. فطریات مشترک در انسان‌ها، به تنهایی برای ایجاد تغییر در فرد کفایت نمی‌کند
 اما فرد در جریان تغییر باید از آن‌ها عدول ننماید. فطرت نیازمند توجه جدی
 انسان است.

۲. گزاره‌های تربیتی تغییر درونی مطلوب در انسان

اصل غایی: تقرب ال‌هی

«وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي
 وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ» «چون بندگان من درباره من از تو بپرسند، بگو که من
 نزدیکم و به ندای کسی که مرا بخواند پاسخ می‌دهم. سپس به ندای من پاسخ دهند و
 به من ایمان آورند تا راه راست یابند» (بقره/۱۸۶).

جدول ۱. استنتاج اصل غایی تغییر درونی مطلوب

هدف تربیتی	● مطابق منابع اسلامی، شایسته و بایسته است که انسان آگاهانه و با رغبت، قرب‌الی‌الله را به‌عنوان غایت خود قرار دهد.
گزاره واقع‌نگر مبنایی	● قرب‌الی‌الله و پیوند با حق در گرو ایجاد تغییر درونی مطلوب در انسان از طریق ایجاد تغییر در افکار، باورها، عواطف و احساسات و خواست‌ها و اراده است.
گزاره هنجاری	● انسان باید با ایجاد تغییر درونی مطلوب در خود یعنی تغییر در افکار، باورها، عواطف و احساسات و خواست‌ها و اراده، در جهت قرب‌الی‌الله، نیت و عملش را ساماندهی نماید.

● تبیین اصل: براساس آموزه‌های اسلامی، قرب ال‌هی به‌عنوان هدف نهایی انسان معرفی شده است. براساس آیات قرآن کریم مهم‌تر از بهشت، قرب مکانتی و معنوی به خداست «رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ...» (تحریم/۱۱) (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۱: ۱۴۱). ملاک قرب به خداوند، عبادت خالصانه و منزّه دانستن او از شریک است «تَحْنُ لَهُ مُخْلِصُونَ» «بقره/۱۳۹»؛ «عِنْدَ رَبِّكَ لَا يَسْتَكْبِرُونَ... وَ لَهُ يَسْجُدُونَ وَ الَّذِينَ عِنْدَ رَبِّكَ لَا يَسْتَكْبِرُونَ» (اعراف/۲۰۶). نقطه اوج تقرب ال‌هی آنجاست که انسان به مقامی دست یابد که رهنمون به ذات ال‌هی می‌شود و در جوار خداوند مستقر می‌شود. چشم و زبان او

می‌شود و به اذن خدا کارهای خدایی می‌کند. عبودیت خدای متعال، تنها وسیله برای نیل به سعادت و کمال حقیقی بشر است «دو گروه جن و انس را خلق نکردم، مگر برای آنکه عبادت کنند» («وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (ذاریات/۵۶). نیل به عبودیت و تقرب به خدا جز با طی مراحل معرفت و عبادت ممکن نخواهد بود؛ از این رو، خداوند ابزار طی این مسیر را در اختیار انسان قرار داده است. در این زمینه، امام موسی جعفر(ع) می‌فرماید: «... خداوند بر مردم دو حجت قرار داده است؛ حجتی ظاهری و حجتی باطنی؛ حجت ظاهری خداوند، انبیاء و ائمه هدی هستند و حجت باطنی، عقل مردم است» (کلینی رازی، ۱۳۸۸ ق، ج ۱: ۲۰-۱۳). خداوند با اعطای عقل به انسان و ارسال راهنما و راهبری که از همه نیازهای واقعی انسان آگاه و بر همه موانع راه احاطه کامل داشته باشد حجت را بر مردم تمام کرد. انسان نیازمند الگو است تا بتواند در مسیر انس به خدا گام بردارد و برای رسیدن به قرب الهی بکوشد (مبشری، صفری و ملکی فارمد، ۱۳۹۹: ۱۲۲). بهره‌گیری انسان از دو حجت ظاهری و باطنی به فرد در شناخت ابعاد وجودی خویش و آگاهی از ارتباطات با جهان پیرامون و نیز تشخیص مسیر صحیح از بیراهه‌ها مدد می‌رساند و او را در مسیر تقرب به خداوند کمک می‌کند. در ادامه به ارائه اهداف واسطی و اصولی که فراهم آورنده تغییرات درونی مطلوب در انسان است و او را در نهایت به قرب الهی می‌رساند پرداخته می‌شود.

هدف‌های واسطی

اهداف واسطی در طریق وصول به هدف غایی قرار دارند (رشیدی، کشاورز، بهشتی و صالحی، ۱۳۹۶: ۲۰). در این پژوهش، اهداف واسطی عبارت‌اند از: همسویی تغییر درونی با فطرت الهی انسان، باور راستین به متعلقات ایمان مطابق قرآن، انتخاب‌گری و داشتن حس آزادی برای تغییر درونی، پذیرش مسئولیت باورها و اعمال خویش، تربیت و تبلیغ، بسترسازی و تسهیل تغییر درونی در جامعه، درس‌آموزی و عبرت‌گیری از تاریخ انسان، باور به نقش تغییر فردی در تعیین وضع اجتماعی، تدریجی دانستن تغییر درونی، تنظیم گفتار و اعمال انسان با معیار ربوبی، حفظ کرامت انسانی در هدایت تغییر درونی، استفاده مؤثر از ابزاری‌های معرفت‌بخش، پذیرش عاملیت خویش.

اصل ۱: توجه جدی و فعالانه به فطرت

«فَرَجَعُوا إِلَى أَنْفُسِهِمْ فَقَالُوا إِنَّكُمْ أَنْتُمُ الظَّالِمُونَ» «پس آن‌ها (ابتدا) به خود بازگشتند و متنبه شدند و (در باطن به خویشتن و یا به یکدیگر) گفتند: حَقًّا شما خود ستمکارید (که جماد بی روح را می پرستید)» (انبیا/۶۴).

جدول ۲. استنتاج اصل اول تغییر درونی مطلوب در انسان

هدف تربیتی	● مطابق منابع اسلامی، انسان برای ایجاد تغییر درونی مطلوب در خود لازم است به فطرت و سرشت الهی خویش توجهی جدی و فعالانه داشته باشد (رو کردن به فطرت به منظور فعال سازی آن).
گزاره واقع‌نگر مبنایی	● رجوع و توجه انسان به فطرتش در گرو تقویت شناخت خود و خداوند و احیای پیوند قدسی است.
گزاره هنجاری	● انسان برای ایجاد تغییر درونی مطلوب در خویش باید خودشناسی و خداشناسی را در کانون توجه قرار داده و بکوشد پیوند قدسی‌اش را با خداوند پویا و فعال نماید.

● **تبیین اصل:** فطرت، امری تکوینی و جزئی از سرشت دین خواه و معنویت‌گرای انسان است که اگر پویا و فعال شود، می تواند بستر رشد انسان در مسیر عبودیت الهی قرار گیرد. خداوند در سرشت انسان معارف توحیدی را قرار داده و اگر در پرورش او این فطرت موردنظر باشد و تعالیم ناروا و نادرست، سبب انحراف او نشود، به حق، عدالت و نیکی‌ها پای‌بند خواهد بود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵، ج ۱: ۲۱۵). مشهورترین آیه‌ای که بیانگر فطرت است، چنین است: «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ» (روم/۳۰).^۱ علامه طباطبایی ذیل این آیه معتقد است: «فِطْرَةَ اللَّهِ» به نصب خوانده شده است تا دلالت کند بر اینکه ملازم فطرت باش که خلقت و فطرت الهی، انسان را به سوی دین الهی هدایت می کند (طباطبایی، ۱۳۹۱، ج ۱۶: ۱۷۸). خلقت ذات و طبیعت انسان به گونه‌ای است که با فطرت اولیه خود به دنبال باطل به عنوان باطل نمی‌رود، هیچ انسانی کاری نمی‌کند مگر اینکه مطابق و موافق با میل و نفس او بوده و سعادت او را در برداشته باشد. بنابراین، رشد انسان در سایه رجوع به فطرت و راه خداست «لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ» (احقاف/۲۷) (قرآنی، ۱۳۸۳، ج ۱۰: ۴۷)، و تلاش کند

فطرت خویش را شکوفا سازد. در حوزه تعلیم و تربیت نیز ضروری است که انسان در بحث ایجاد تغییرات درونی مطلوب در خود و خروج از ضلالت به هدایت ارائه امر تربیت به افراد باید در ارتباط با خداوند و متناسب با فطرت پاک آن‌ها باشد تا اسباب سعادت انسان فراهم آید. در غیر این صورت انسان با انحراف از فطرت پاک خویش در جهت تباهی و انحطاط حرکت می‌کند.

اصل ۲: اعتقاد به معاد

«ضَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَنَسِيَ خَلْقَهُ قَالَ مَنْ يُحْيِي الْعِظَامَ وَهِيَ رَمِيمٌ؛ قُلْ يُحْيِيهَا الَّذِي أَنْشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ وَهُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ عَلِيمٌ» «برای ما مثالی زد و آفرینش خود را فراموش کرد و گفت: چه کسی این استخوان‌ها را زنده می‌کند، درحالی که پوسیده است؟ بگو همان کسی آن را زنده می‌کند که نخستین بار آن را آفرید و او به هر مخلوقی داناست» (یس / ۷۸-۷۹).

جدول ۳. استنتاج اصل دوم تغییر درونی مطلوب در انسان

هدف تربیتی	● مطابق منابع اسلامی، باور به متعلقات ایمان نظیر ایمان به معاد در کنشگری و حرکت انسان برای ایجاد تغییر درونی مطلوب در خود مؤثر است.
گزاره واقع‌نگر مبنایی	● اعتقاد به معاد در گرو این است که انسان در زندگی دنیوی نیات و اعمالش به گونه‌ای تنظیم و راهبری کند که خود را برای محاسبه و میزان الهی در قیامت آماده نماید.
گزاره هنجاری	● انسان باورمند به معاد باید در زندگی دنیوی، ساحت‌های عقاید، عواطف و خواسته‌های خویش را از بدعت‌ها، خرافات و انحرافات منزّه نگه داشته و ارزیاب نهایی خود را خداوند بداند.

● تبیین اصل: اصل معاد در اسلام به معنای آن است که انسان‌ها بعد از مدتی زندگی در این عالم وفات یافته و در جهان دیگری برانگیخته می‌شوند تا یک یک اعمال آن‌ها مورد محاسبه و ارزیابی قرار گیرد. یکی از قوی‌ترین ضمانت‌های اجرای احکام الهی برای اصلاح فرد و جامعه، ایمان به معاد است «يُنذِرُوكُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا» (انعام/۱۳۰). ایمان به معاد، تأثیر مستقیمی در راهبری نیت و کردار انسان‌ها داشته و زندگی انسان را در جهت رضای خداوند متحول می‌سازد. شناخت نسبت میان دنیا

و آخرت و تقدم این جهان بر جهان دیگر نیز در جهت‌دهی به رفتار آدمی بی‌تأثیر نیست. اگر انسان به این مسأله آگاه باشد که اعمالی که از او در این دنیا سر زده را در آخرت باز خواهد یافت، در رفتار و عملکرد خویش محتاطانه‌تر عمل خواهد نمود. در قرآن به کرات در رابطه با معاد آیاتی آمده است: ایمان به معاد مانع طغیان است «إِنَّ إِلَىٰ رَبِّكَ الرَّجْعِي» (علق/۱۴-۶) و غفلت از آن، سرچشمه‌ی اعمال فاسد «نَسِيتُمْ - كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» (سجده/۱۴) و منجر به گمراهی و بدعاقبتی است. منکر معاد در آخرت در غل و زنجیر عذاب الهی خواهد بود «الْأَعْلَالُ» (رعد/۵). اعتقاد به معاد سبب می‌شود که انسان زندگی دنیوی را پوچ نداند و با انجام اعمال سنجیده و دوری از افعال عبث و ضد ارزش‌ها، زندگی خود را از بیهودگی رهانیده و خود را برای زندگی اخروی مهیا سازد. قرآن با پرداختن به بحث معاد، در واقع به یکی از کلیدی‌ترین اصول در جهت تغییر عقاید و باورها، عواطف و خواسته‌های انسان‌ها اشاره داشته است؛ تا انسان‌ها با اعتقاد راسخ و باور راستین به معاد در اندیشه و در اعمال خویش تغییراتی مطلوب پدید آورده و خود را از هرگونه خرافه و انحراف دور دارند.

اصل ۳: آزادی

«لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ» «در دین اجباری نیست» (بقره/۲۵۶).

جدول ۴. استنتاج اصل سوم تغییر درونی مطلوب در انسان

هدف تربیتی	● مطابق منابع اسلامی، انسان برای ایجاد تغییر درونی مطلوب در خود باید آزاد باشد.
گزاره واقع‌نگر مبنایی	● آزادی انسان در گرو آن است که او از لحاظ فکری و عملی آزاد و از هرگونه جهل، تعصب و قید و بندی رها باشد.
گزاره هنجاری	● انسان برای ایجاد تغییر درونی مطلوب در خود باید از آزادی فکری و عملی برخوردار و از هرگونه جهل، تعصب و قید و بندی رها باشد.

● **تبیین اصل:** انسان در میان تمامی مخلوقات الهی تنها موجودی است که راه‌ها و امکاناتی بسیار برایش وجود دارد و باید با انتخاب و تصمیم‌گیری خویش، سرنوشت خود را رقم زند. انسان تا در انتخاب مسیر به موضع‌گیری نپردازد و دست به عمل

نزند، رشد پیدا نمی کند. خداوند می فرماید: «انسان، آزاد آفریده شده است، هم قدرت دارد سرپیچی کند و هم می تواند اطاعت کند» «أَطِيعُوا اللَّهَ ... فَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ» (تغابن/۱۲)؛ «فَمَنْ شَاءَ...» (مزمّل/۱۸). راه خدا، اجباری نیست، هر که می خواهد به سعادت برسد، باید خود آن را انتخاب کند و بپیماید «فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا» (انسان/۲۹)؛ «لَوْ يَشَاءُ اللَّهُ لَهْدَىٰ النَّاسَ جَمِيعًا»؛ «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ» (رعد/۳۱). پاداش و کیفر الهی، بر طبق عدالت و براساس اعمال آزادانه و آگاهانه خود انسان است «ذَلِكَ بِمَا قَدَّمْتُمْ أَيْدِيَكُمْ» (آل عمران/۱۸۱). مشیت خداوند، بر هدایت آزادانه و ارادی انسان و آزادی و اختیار اوست «فَلَوْ شَاءَ لَهْدَاكُمْ» (انعام/۱۴۹). انسان، خود زمینه ساز هدایت خویش است «يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ» (مائده/۱۶) (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۲: ۲۶۱). انسان آزاد است و می تواند آگاهانه تغییر جهت دهد «تَابُوا» (نسا/۱۴۶) (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۲: ۱۹۶). انسان، آزاد و دارای اختیار است و سرنوشتش در گرو گرایش و عمل خود اوست «فَمَنْ اتَّقَىٰ وَ أَصْلَحَ» (اعراف/۳۵). برخورداری از لطف و قهر خداوند، به انتخاب و عملکرد خود ما بستگی دارد «إِنْ تَنْتَهُوْا ... إِنْ تَعُودُوا» (انفال/۱۹). عامل شقاوت و بدبختی انسان ها «شَقُّوْا» و «سُعِدُوا» (هود/۱۰۸)، اختیار و خواست خودشان است، ولی سعادت آنها با توفیق الهی است. بر این اساس، ضرورت دارد در ایجاد تغییر درونی مطلوب در انسان به اصل اختیارمندی و آزادی او توجه داشت.

اصل ۴: مسئولیت پذیری

«كُلُّ أَمْرٍ بِمَا كَسَبَ رَهِيْنٌ» «هر کسی در گرو دستاورد خویش است» (طور/۲۱).

جدول ۵. استنتاج اصل چهارم تغییر درونی مطلوب در انسان

هدف تربیتی	● مطابق منابع اسلامی، انسان مسئول عقاید و باورها، عواطف، خواسته ها، گفتار و اعمال خویش است.
گزاره واقع نگر مبنایی	● احساس مسئولیت انسان در قبال عقاید و اعمال (ساحات های درونی و بیرونی اش) وابسته به این است که او آگاهی و آزادی در گزینش آنها داشته باشد.
گزاره هنجاری	● برای مسئولیت پذیر کردن انسان باید در ابتدا آگاهی و آزادی او در قبال ساحات های درونی و بیرونی اش اعتلا داد.

● **تبیین اصل:** مسئولیت پذیر بودن موجب انجام بهتر و صحیح امور می شود (زرین جویی الوار و فیاض، ۱۳۹۶: ۳۹). قرآن کریم در آیاتی جریان مسئولیت خواهی و مواخذه انسان را در روز قیامت به او گوشزد می نماید. «پس سوگند به پروردگارت که از همه آن ها خواهیم پرسید از آنچه انجام می دادند» «فَوَرَبِّكَ لَنَسْأَلَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ؛ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (حجر/۹۳-۹۲)؛ «انسان در برابر تمام کارهای خود مسئول است و قیامت، روز رسوایی است» «فَيُنَبِّئُكُمُ...» (توبه/۹۴). (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۳: ۴۸۸)؛ «ما در برابر خواسته های خود مسئولیم» «يُحِبُّونَ... لَهُمْ عَذَابٌ» (نور/۱۹)؛ «سود و زیان ایمان یا کفر مردم، به خود آن ها برمی گردد» «لِنَفْسِهِ» (نمل/۹۲)؛ «انسان، نه فقط در برابر کردار، بلکه در برابر گفتار خود مسئول است و مورد محاسبه قرار می گیرد» «مَا يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ» (ق/۱۸-۱۷). ایجاد احساس مسئولیت در فرد با اعتقاد به معاد ایجاد می شود و فرد خود را موظف به اصلاح و رفع ناهنجاری های هر عقیده و کاری که از او سر می زند، می داند. قبول مسئولیت در قرآن به بار سنگین تشبیه شده است: «هر کس، گرفتار عمل خویش است» «لَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى» (اسرا/۱۵). یعنی در روز رستاخیز هر کس مسئول پاسخ گویی به اعمال خویش است و این کار را نمی تواند به دیگری واگذار نماید. خداوند می فرماید: «از آن چه نمی دانی پیروی نکن، چرا که گوش و چشم و دل، همه مسئول اند» (اسرا/۳۶). گوش و چشم و دل همگی مورد سؤال قرار می گیرند. با دقت در این آیات این مسأله قابل دریافت است که خداوند انسان را به عنوان موجودی بدون تکلیف و رها خلق ننموده و با قائل شدن مقام قربت خویش برای او، از او انتظار پذیرفتن مسئولیت را داشته است یعنی اینکه انسان از انجام اعمالی که در آخرت وقتی درباره آن ها از فرد پرسش می شود و موجب شرمساری و سرافکندگی اوست سر باز بزند و بتواند با ایجاد تغییرات مثبت و مطلوب در خویش از انجام کار لهو و عبث پرهیز نماید و خود را هرگز به بهایی کمتر بهشت و لقای الهی نفروشد.

اصل ۵: زمینه‌سازی برای تغییر و رشد مطلوب

«وَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ جَعَلْنَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ حِجَابًا مَّسْتُورًا»
«و هنگامی که قرآن می خوانی، میان تو و آن‌ها که به آخرت ایمان نمی آورند، حجاب
ناپیدائی قرار می دهیم» (اسرا/۴۵).

جدول ۶. استنتاج اصل پنجم تغییر درونی مطلوب در انسان

هدف تربیتی	● مطابق قرآن، در جامعه اسلامی شایسته است عده ای در کسوت آمر به معروف و ناهی از منکر، مقدمه و بستر تحول و تغییر درونی مطلوب را در افراد فراهم آورند.
گزاره واقع‌نگر مبنایی	● اجرای فریضه امر به معروف و نهی از منکر در گرو وجود حس مسئولیت برای رشد فرد و اصلاح جامعه در افراد است.
گزاره هنجاری	● تعلیم و تربیت باید با تمهید اجرای آسان‌تر فرایض، حس مسئولیت برای رشد فرد و اصلاح جامعه را در متربیان درونی و فعال نماید. این حس مسئولیت یکی از بازرترین جلوه‌های تحول و تغییر درونی مطلوب است.

● **تبیین اصل:** در آیات قرآن کریم به زمینه‌سازی در امر هدایت افراد اشاره شده است و این‌گونه آمده است که برای نیل به صراط مستقیم و ایجاد هرگونه تغییر و تحول انسان باید از لحاظ درونی و روحی آمادگی لازم را داشته باشد تا بتواند پذیرای تغییرات باشد. در برخی آیات قرآن به مسئله بسترسازی و فراهم آوردن شرایط و امکانات لازم پرداخته شده است که از این جمله است: «برای دستیابی به راه مستقیم، باید دعا نمود» «اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» (فاتحه/۶)؛ «قبول حق، ظرفیت و زمینه درونی می‌خواهد» «يُشْرَحُ صَدْرُهُ لِلْإِسْلَامِ» (انعام/۱۲۵)؛ «مقامات و الطاف الهی، بدون دلیل به کسی واگذار نمی‌شود. اگر خداوند ابراهیم را برمی‌گزیند، به‌خاطر روحیه تسلیم‌پذیری او در برابر خداست» «أَسْلِمْتُ» (بقره/۱۳۱)؛ «خداترسی، زمینه فراهم شدن الطاف و نعمت‌های الهی است» «يَخَافُونَ أَنْعَمَ اللَّهُ...» (مائده/۲۳) (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۲: ۲۷۰) و «آمادگی افراد» «الَّذِينَ يَخَافُونَ» (انعام/۵۱)، شرط تأثیرگذاری هدایت انبیاست.

اصل ۶: عبرت‌گیری

«أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ...» «آیا این مردم در روی زمین سیر نمی‌کنند تا عاقبت کار ستمکاران پیش از خود را که نیرو و اقتدارشان بسیار بیش از اینان بود به دیده عبرت بنگرند» (فاطر/۴۴).

۲۲

جدول ۷. استنتاج اصل ششم تغییر درونی مطلوب در انسان

هدف تربیتی	● مطابق قرآن، انسان برای تنظیم نیت و اعمالش در راستای تقرب به خدا و کسب رضای او، باید از تاریخ و سرنوشت پیشینیان خود درس بیاموزد و عبرت بگیرد.
گزاره واقع‌نگر مبنایی	● درس‌آموزی و عبرت‌گیری از پیشینیان، مستلزم آشنایی با سرنوشت و تاریخ و عقاید و اعمال درست و نادرست آنان و تأمل و تدبر در آنهاست.
گزاره هنجاری	● انسان خواهان رشد و تغییر درونی مطلوب در خویش، باید بکوشد با سرنوشت و عقاید و اعمال پیشینیان آشنا شود تا زمینه انتخاب راه درست را بیابد.

● تبیین اصل: تمامی تحولات و دگرگونی‌های جهان حکایت‌گر ناپایداری و زوال دنیا بوده و اندازی به انسان برای بیداری از خواب غفلت هستند. شرط بیداری انسان آن است که انسان از سرانجام ناگوار گذشتگان پند بگیرد و با عبرت‌گیری از آنها از ارتکاب فعل ناروا دوری بجوید. به عبارتی با پندآموزی از سرنوشت آنان که دچار انحراف شدند و به بیراهه رفتند به تغییرات مطلوب در درون خود پردازد و از آن چه که ناصواب و زمینه‌ساز تباهی است، پرهیز و خود را برای زندگی ورای دنیای مادی مهیا نماید. در آیات قرآن به اصل عبرت‌آموزی از پیشینیان و سیر و سیاحت به‌منظور تدبر در تاریخ و پندآموزی از آنها تأکید شده است: «تاریخ آینه عبرت است، از آن پند بگیرید» «وَأَمَّا ثَمُودُ...» (فصلت/۱۸-۱۷)؛ «كَمَا أَرْسَلْنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ رَسُولًا فَعَصَىٰ... فَأَخَذْنَاهُ» (مزمّل/۱۶)؛ «از بدعاقبتی و هلاکت پیشینیان منحرف عبرت بگیریم» «أَهْلَكَ عَادًا... وَ ثَمُودَ... وَ قَوْمَ نُوحٍ» (نجم/۵۶-۵۰)؛ «سیر و سیاحت و جهانگردی باید هدفدار و برای بررسی تاریخ ملت‌ها و عامل عبرت و رشد باشد» «أَفَلَمْ يَسِيرُوا... فَيَنْظُرُوا» (محمد/۱۰) و «سیر و سیاحت برای هدایت و تربیت بسیار کارگشاست» «فَيَنْظُرُوا» (یوسف/۱۰۹).

اصل ۷: تغییر تدریجی و گام به گام

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا أَضْعَافًا مُضَاعَفَةً وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»
«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! ربا [و سود پول] را چند برابر نخورید و از [مخالفت
فرمان] خدا بپرهیزید، تا رستگار شوید» (آل عمران/۱۳۰).

جدول ۸. استنتاج اصل هفتم تغییر درونی مطلوب در انسان

هدف تربیتی	● مطابق منابع اسلامی، آموزش و تلاش برای ایجاد تغییر مطلوب در افراد و گروه ها، باید به صورت استدریجی و گام به گام روی دهد.
گزاره واقع نگر مبنایی	● تدریجی و مداوم دانستن تغییر درونی مطلوب در افراد و گروه ها، متضمن آگاهی از وسیع فکری و عملی آن ها، و آشنایی با مقدمات ضروری تغییر در مراحل والاتر است.
گزاره هنجاری	● انسان و یا نظام تربیت اسلامی باید ضمن آشنایی با وسیع فکری و عملی افراد و گروه ها، تربیت و تغییر مطلوب را امری تدریجی و مستمر بداند و از هرگونه شتابزدگی در نیل به تحول و تغییر مطلوب درونی بپرهیزد.

● **تبیین اصل:** انسان موجودی متحرک است که به صورت تدریجی و گام به گام مراتب رشد و کمال را کسب می کند. تعلیم و تربیت نیز فرایندی جاری و مستمر و مداوم است. عنصر تدریج و مدرّج بودن در تربیت مهم و اساسی است و چنین نیست که یکدفعه انحراف واقع شود، شیطان و نفس اماره به تدریج از عمل به مکروهات و بعد از آن به صغایر و از آن جا به بالاتر انسان را منحرف می کنند. نزول آیات قرآن و ابلاغ آن ها به مردم از سوی پیامبر(ص) در مدت ۲۳ سال و به صورت تدریجی (اسرا / ۱۰۶) بوده است؛ زیرا تغییر افراد باید به نحوی تدریجی صورت گیرد و اگر انسان در مسیر انحراف قرار گرفت باید به تدریج آلودگی ها را زدود. علامه طباطبایی در بیان علل نزول تدریجی آیات قرآن این گونه بیان می کند که آیات قرآن با توجه به سطح رشد، استعداد و بلوغ افراد در دریافت معارف و احکام به صورت تدریجی نازل شده اند (طباطبایی، ۱۳۹۱). برخی دیگر از قوانین عملی اسلام نیز برای مردم به تدریج بیان شده اند همچون روزه، زکات و جهاد پس از ۱۵ سال، تحریم تدریجی ربا (روم / ۳۹)، (نسا / ۱۶۱)، (آل عمران / ۱۳۰) و (بقره / ۲۷۹-۲۷۵) و تحریم تدریجی

مشروبات الکلی (بقره/۲۱۹)، (نسا/۴۳) و (مائده/۹۱-۹۰). نزول تدریجی آیات قرآن در واقع بیانگر ارزش و اهمیت استفاده از روش تدریجی در امر تربیت است.

اصل ۸: باور به وجود خدای آگاه (خدا باوری)

«وَإِنْ تَجْهَرُ بِالْقَوْلِ فَإِنَّهُ يَعْلَمُ السِّرَّ وَأَخْفَى» «اگر سخن را آشکارا بگویی (و یا مخفی کنی) او پنهان و حتی پنهان تر (از آن) را می داند» (طه/۷).

جدول ۹. استنتاج اصل هشتم تغییر درونی مطلوب در انسان

هدف تربیتی	● مطابق قرآن، ایمان و باور درونی به وجود خدای عالم و آگاه، مبدأ و منشأ اثر در تنظیم گفتار و اعمال انسان است.
گزاره واقع نگر مبنایی	● تنظیم گفتار و اعمال انسان در گروه تطبیق و تراز کردن آن ها با تعلیم وحیانی و دستورات الهی است.
گزاره هنجاری	● انسان مسلمان باید با پیروی از تعلیم وحیانی و دستورات الهی، هم باورش به وجود خدای آگاه را نشان دهد و هم زمینه های تغییر درونی مطلوب را در خود فراهم نماید.

● **تبیین اصل:** ادیان مختلف و انبیای بسیاری در طول زمان برای هدایت بشر با شعار توحید و دعوت به خداپرستی آمده اند که تلاش همگی آن ها این بوده است که به انسان بفهمانند که هستی تماماً تحت اراده خداوندی است که همواره در همه جا حاضر و ناظر بر افراد و اعمال آن ها است و هیچ چیزی بر او پوشیده نیست. پس انسان باید خود را همواره در محضر خداوند عالم ببیند و اندیشه و اعمال خود را در سمت و سوی او قرار دهد تا با باور به خداوند بتواند از گمراهی دوری جسته و با ایجاد تغییرات مثبت و مطلوبی که در خود رقم می زند بتواند به سعادت نائل آید. در قرآن بر لزوم باور انسان به خداوند تأکید بسیار شده است که از آن جمله است: خداوند بر رفتار و اعمال انسان بصیر «بَصِيرٌ بِمَا يَعْمَلُونَ» (مائده/ ۷۱). عالم «وَيَعْلَمُ مَا تُخْفُونَ وَمَا تُعْلِنُونَ» (نمل/ ۲۵)، (ممتحنه/ ۱)، (عنکبوت/ ۱۰)، (مائده/ ۶۱)، (احزاب/ ۵۱)، (آل عمران/ ۲۹)، (غافر/ ۱۹)، (توبه/ ۹۴) و (حشر/ ۲۲). خبیر «بِعِبَادِهِ لَخَبِيرٌ بَصِيرٌ» (فاطر/ ۳۱)، (عادیات/ ۱۱-۶) و بر هر چیزی مراقب «عَلَى كُلِّ شَيْءٍ رَقِيبًا» (احزاب/ ۵۲)، شاهد «عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدًا» (نساء/ ۳۳)،

بی نیاز مطلق «رَبِّكَ الْغَنِيُّ» (انعام/۱۳۳) می باشد، پس هرگز خود را بی نیاز نبینیم. افشاگری خداوند نشانه حضور و نظارت اوست. ایمان به حضور خداوند علیم و خبیر (تحریم/۳) می تواند انسان را از هرگونه گناه و توطئه و نفاق و نهان کاری بازدارد «أَسِرُّوا قَوْلَكُمْ أَوِ اجْهَرُوا بِهِ ... أَلَا يَعْلَمُ...» (ملک/۱۳-۱۲). مجموعه این اعتقادات و باورها سبب می شود که فرد همه چیز را در احاطه اختیار خداوند بداند و کارهای خود را بر این اساس ساماندهی نماید. در این صورت، انسان تربیت شده، انسانی مطیع و عابد خداوند است.

اصل ۹: تکریم شخصیت انسان

«وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ...» «چون فرشتگان را فرمان دادیم که بر آدم سجده کنند همه سجده کردند مگر ابلیس» (بقره/۳۴).

جدول ۱۰. استنتاج اصل نهم تغییر درونی مطلوب در انسان

هدف تربیتی	● مطابق منابع اسلامی، شرط ضروری و لازمه ایجاد هر نوع برنامه رشد و تغییر در افراد تکریم شخصیت آن ها است.
گزاره واقع نگر مبنایی	● تکریم شخصیت انسان در گرو حفظ و تعالی کرامت و عزت او از زشتی ها و آلودگی های اخلاقی است.
گزاره هنجاری	● برای ایجاد تغییر درونی مطلوب در افراد ضمن تکریم شخصیت آن ها، تعلیم و تربیت باید آن ها را با راه های اکتساب عزت و دوری از آلودگی های اخلاقی آشنا نماید.

● تبیین اصل: خداوند خصوصیات تمامی مخلوقات را در انسان گردآوری نموده و پس از اینکه او را آفرید او را دارای بهترین ساختار وجودی در میان تمامی آفریده ها دانست: «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ» (تین/۴). خداوند متعال در قرآن کریم در تکریم مقام بنی آدم (ع) می فرماید: «ما فرزندان آدمی را گرمی داشتیم و آن ها را در خشکی و دریا بر مرکب های راهوار سوار کردیم و از انواع غذاهای پاکیزه به آنان روزی دادیم و بر بسیاری از مخلوقات برتری بخشیدیم» (اسرا/۷۰). در همین راستا، تذکر و کرامت بخشیدن به انسان ها «فِيهِ ذِكْرُكُمْ» (انبیا/۱۰)، یکی از اهداف نزول کتب آسمانی است. بنابراین در امر تربیت و رشد، باید آنان را تکریم نمود «وَلَهُ أَجْرٌ كَرِيمٌ» (حدید/۱۱). احترام و تکریم شخصیت آدمی سبب می شود

که انسان در درون، احساس عزت نماید، به فعل غیراخلاقی روی نیاورد و بتواند هنگامی که طوفان شهوات، وجودش را متلاطم می‌کند، خود را سالم نگه دارد.

اصل ۱۰: به‌کارگیری ابزار معرفت

«إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرًا لِمَنْ كَانَ لَهُ قَلْبٌ» «در این مطلب تذکر و یادآوری است برای آنان که نیروی عقل و درک داشته باشند» (ق/۳۷).

جدول ۱۱. استنتاج اصل دهم تغییر درونی مطلوب در انسان

هدف تربیتی	● مطابق قرآن، برای هدایت‌پذیری انسان ضروری است او ابزارهای کسب معرفت (چشم، گوش، عقل و هوش) را به گونه‌ای مؤثر و درست به کار گیرد تا در شمار کوران و کران قرار نگیرد.
گزاره واقع‌نگر مبنایی	● کاربرست ابزارهای کسب معرفت (چشم، گوش، عقل و هوش)، مستلزم وجود و عرضه آگاهی‌ها و بینش‌های مناسب برای هدایت‌پذیری انسان است.
گزاره هنجاری	● انسان با به‌کارگیری درست ابزارهای معرفتی (چشم، گوش، قلب و عقل) باید ضمن کسب معرفت و بصیرت راه گشا، موجبات تغییر درونی مطلوب، هدایت و رستگاریش را فراهم آورد.

● **تبیین اصل:** در قرآن در رابطه با اهمیت معرفت و به‌کارگیری ابزار معرفتی در تحصیل سعادت اشارات متعددی وجود دارد. در میان اعضای بدن، ابزار کسب معرفت مهم‌تر است (از این رو تنها نام گوش و چشم و دل برده شده است: «السَّمْعُ وَالْأَبْصَارُ وَالْأَفْئِدَةُ» (سجده/۹)؛ علاوه بر حس، دل نیز یکی از راه‌های شناخت است «السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ» (اسرا/۳۶)؛ ارزش چشم و گوش و زبان، به آن است که مقدمه تعقل باشد، و گر نه حیوانات نیز چشم و گوش دارند «صُمِّ بَكْمَ عُمَىٰ فَهَمْ لَا يَعْقِلُونَ» (آل عمران/۱۷۱)؛ کسی که از گوش، چشم و زبان خود در مسیر حق یافتن، حق گفتن و حق دیدن بهره نگیرد، در قیامت نیز کور، کر، لال و واژگون محشور می‌شود: «نَحْشُرُهُمْ ... عَلَىٰ وُجُوهِهِمْ عُمْيَاً وَ بُكْمًا وَ صُمًّا» (اسرا/۹۷). ارزش انسان به خردورزی اوست، اگر تعقل نکند، بدترین جنبندها می‌شود: «إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ ... الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ». آری، داشتن گوش، زبان و عقل زمانی ارزشمند

است که بهره‌گیری صحیح از آن‌ها شود. کسی که مثلاً با زبانش امر به معروف و نهی از منکر نمی‌کند، همچون آدم لال است (انفال/۲۲)؛ کفر و عناد، تاریکی و ظلمتی است که سبب محروم شدن انسان از بهره‌گیری از ابزار شناخت می‌شود: «كَذَّبُوا ... صُمٌّ وَ بُكْمٌ فِي الظُّلُمَاتِ» (آل عمران/۱۷۱). دوزخی شدن بسیاری از انسان‌ها، به‌خاطر بهره‌نبردن از نعمت‌های الهی در مسیر هدایت و کمال است. زیرا با داشتن چشم، گوش و دل، گرفتار غفلت شده‌اند: «أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ» (اعراف/۱۷۹). براساس آیات قرآن، خداوند ابزار مختلف کسب معرفت و شناخت که عبارت‌اند از: چشم، گوش، زبان، عقل و دل در اختیار انسان قرار داده و انسان به‌نحوی مادی و شهودی قادر است تا به حقیقت راه یابد و مسیر زندگی خود را بر حسب شناخت مکتسبه تغییر دهد.

اصل ۱۱: عاملیت معیارمند

«ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا نِعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَى قَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَأَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» «این، به‌خاطر آن است که خداوند، هیچ نعمتی را که به گروهی داده، تغییر نمی‌دهد؛ جز آنکه آن‌ها خودشان را تغییر دهند؛ و خداوند، شنوا و داناست!» (انفال/۵۳).

جدول ۱۲. استنتاج اصل دوازدهم تغییر درونی مطلوب در انسان

هدف تربیتی	● مطابق قرآن، انسان در هرگونه تغییر مطلوب و یا نامطلوب انفسی و آفاقی، کنشگری و عاملیت دارد.
گزاره واقع‌نگر مبنایی	● عاملیت انسان در ایجاد تغییر مطلوب در خود و یا در اجتماع، در گرو تنظیم عقاید، اهداف، اعمال و عقل ورزی او مطابق با تعالیم و حیانی و معیارهای ربوبی است.
گزاره هنجاری	● انسان برای اجرای تغییرات مطلوب انفسی و اجتماعی باید عاملیت و عقل و عمل خود را مطابق با تعالیم و حیانی و معیارهای ربوبی تنظیم نماید.

● تبیین اصل: مطابق قرآن، انسان عاملیت دارد و در انتخاب‌ها از کنشگری تام برخوردار است (زمر/۳۹ و انعام/۱۳۵). عاملیت به آزادی^۱ انسان اشاره دارد، یعنی آن

که انسان در تحقق ارزش‌ها و اهداف مهم خود بتواند آزاد باشد (بنکس^۱، ۲۰۱۲)؛ و فرد عامل با انتخاب آزادانه خود در تعیین اهداف و ارزش‌های خویش قادر باشد تا هویت شخصی خویش را رقم زده و به شکل شخصیت خود بپردازد. براساس مفهوم عاملیت، انسان عمدتاً خود منشأ عمل خویش، صاحب اراده و مسئول تلقی می‌شود. همچنین به متری قدرت انتخاب، آزادی عمل و تفکر انتقادی داده می‌شود و توسعه «مهارت‌های فراشناختی^۲» و کنترل یادگیری توسط او ارزشمند تلقی می‌گردد (بنکس، ۲۰۱۲). در عاملیت، تصمیم‌گیری آزادانه، از ملزومات آزادی عمل است؛ فارغ از اینکه تصمیم تا چه حد به موفقیت بینجامد. عامل اقدام می‌کند و سبب تحول می‌شود (سن^۳ به نقل از ابراهیم و آلکیر^۴، ۲۰۰۷). بنابراین، خلایقیت، انتخاب و خود انگیختگی ظهور می‌یابند و افراد انعطاف پذیرتر می‌شوند، کنترل اجتماعی به خود کنترلی تبدیل می‌شود. در عاملیت، فرد از نوعی خودکنترلی و خودنظارتی بر اعمال خویش برخوردار می‌شود و خود را از درون ملزم به انجام رفتاری می‌داند که انتظار آن را از خویش دارد؛ بدون آنکه الزامی خارجی و یا محدودیت و فشاری از بیرون او را به انجام آن وادارد. به سبب وجود این توانمندی‌ها، فرد قادر می‌شود تا تغییرات مثبت و راهگشایی هم در ساحات درونی (باورها، عواطف و خواست‌ها) و هم در ساحات بیرونی (گفتار و عمل) ایجاد نماید و بتواند دست به ارزشیابی خود بزند.

بحث و نتیجه‌گیری

در منابع اسلامی، هدف غایی انسان آن است که بتواند در مسیر تقرب به خداوند گام بردارد. مسیر تقرب الهی، نیازمند ایجاد تغییرات درونی مطلوب یعنی هماهنگی با تعالیم وحیانی و معیارهای ربوبی در افراد است. در این پژوهش تلاش شد تا الگوی مفهومی تغییر درونی مطلوب در انسان (با تأکید بر استنتاج اصول تربیتی) براساس کتاب قرآن و تفاسیر آن صورت‌بندی و ارائه شود.

مطابق نتایج حاصله، در ایجاد تغییرات درونی مطلوب افراد تا از لحاظ درونی آمادگی پذیرش نداشته باشند و در ساحات درونی وجود خود (ساحات سه‌گانه عقاید و باورها،

1. Banks
2. Metacognition
3. Sen
4. Ibrahim & Alkire

عواطف و هیجانات و ساحت خواسته‌ها و اراده‌ها) تغییرات مثبت و مطلوب ایجاد نکنند نمی‌توانند در مسیر حق و قرب به خداوند گام نهند. انسان در قرآن به‌عنوان موجودی آزاد و مختار قادر است با گزینش خویش، مسیر تغییر خود را در جهت مطلوب یا نامطلوب برگزیند و بتواند همسو با فطرت خود که رنگ و بوی الهی دارد و نشان دهنده مسیر صحیح است حرکت خویش را آغاز کند و به سعادت نائل آید. بر این اساس، انسان ملزم است تا مسئولیت اعمالی را که خود آگاهانه، از روی علاقه و خواسته خود مرتکب شده را بپذیرد و نسبت به پیامدهای خوب و بد آن‌ها اعتراض ننماید. همچنین، انسان با اعتقاد به وجود خداوند و معاد باوری در می‌یابد که خداوند همواره ناظر و شاهد بر تمام اعمال او است و خلقت این جهان و انسان به‌عنوان جزیی از آن نیز بیهوده و عبث نبوده و ضرورت دارد که انسان با به‌کارگیری ابزار معرفتی (گوش، چشم، قلب و عقل) و همچنین با سیر و سیاحت و عبرت‌گیری از گذشتگان بینش و معرفت لازم را کسب نموده و براساس آن تغییرات مطلوبی را در خود فراهم آورد تا بتواند با تشخیص راه از بیراهه در نیل به قرب‌الی‌الله توفیق یابد. بررسی مقایسه‌ای نتایج به‌دست آمده از این پژوهش با پژوهش‌های انجام شده بیانگر آن است که نتایج این پژوهش با نتایج پژوهش‌های سلمان ماهینی و فرامرز قراملکی (۱۳۹۴) و عموری و بلاوان‌پور (۱۳۹۴) همسو و هماهنگ است؛ زیرا پژوهش‌های مذکور بر عاملیت انسان و قدرت اراده و اختیار او در جهت ایجاد تغییر در سرنوشت و رفتار افراد دلالت دارند و تمرکز پژوهش حاضر نیز بر متن قرآن و تصویری است که از انسان عامل ارائه می‌دهد و او را در انتخاب مسیر زندگی خود مختار و توانمند می‌داند. همچنین نتایج این پژوهش با نتایج پژوهش هلت و همکاران (۲۰۰۷) همسو است؛ زیرا در این دو پژوهش آمادگی افراد و وجود بستر لازم برای پذیرش تغییرات ضروری دانسته شده است. همچنین با توجه به اینکه در این پژوهش، تغییر درونی مطلوب به‌عنوان عملی که دارای سه مبدأ معرفتی، عاطفی و ارادی است معرفی شده است نتایج این پژوهش با نتایج پژوهش رافرتی و همکاران (۲۰۱۳) که بر لزوم توجه به ابعاد سه‌گانه تغییر تأکید دارند، همسو می‌باشد. نتیجه هماهنگ و ناهمسوئی در این پژوهش با پژوهش‌های انجام شده به‌دست نیامد.

با توجه به آنچه در این پژوهش گذشت، پیشنهاد می‌گردد که:

الف) پیشنهادهای پژوهشی: در راستای تکمیل این پژوهش، تحلیل محتوای کتب تعلیم و تربیت اسلامی و اسناد بالادستی نظام آموزش و پرورش از منظر میزان

توجه به مؤلفه‌های تغییر درونی مطلوب در انسان انجام شود. همچنین، بررسی تطبیقی الگوی تغییر درونی مطلوب در اسلام و دیگر ادیان (دین‌های ابراهیمی و غیر ابراهیمی) و بررسی مبانی جامعه‌شناسانه و روان‌شناسانه تغییر درونی مطلوب در انسان به منظور تبیین دلالت‌های تربیتی آن‌ها از دیگر پیشنهادات قابل پژوهش در این رابطه می‌باشد.

ب) پیشنهادهای کاربردی:

۱. از آنجایی که تغییر نهایتاً با عاملیت انسانی صورت می‌پذیرد و مسئولیت آن با انسان است، پیشنهاد می‌شود آموزش‌هایی با تمرکز بر اعتلای حس مسئولیت و مسئولیت‌پذیری (در برابر خود، خدا، خلق و طبیعت) برای متربیان تدوین و اجرا شود.

۲. شایسته است نظام تربیتی اسلامی هم بر زدودن و حذف شرایط نامطلوب بیرونی و هم بر تسهیل ایجاد تغییرات درونی مطلوب در انسان‌ها متمرکز باشد، به همین رو پیشنهاد می‌شود نظام آموزشی مقدمات و شرایط مناسب از جمله معیارهای مطلوبیت را برای متربیان تبیین نماید. زیرا یکی از شروط لازم تغییر درونی مطلوب، آگاهی از هدف و جهت تغییر و دانستن معیارهای مطلوبیت [مطابقت با دستورات و خواسته‌های خداوند] از معیارهای نامطلوب [مطابقت با هوی‌پرستی‌ها، خرافات و انحرافات اجتماعی] است.

۳. به منظور ایجاد تغییرات درونی مطلوب در متربیان باید ابتدا اوضاع نامطلوب را از بین برد. تغییر و اصلاح اوضاع و احوال نامطلوب به مطلوب نیازمند آن است که انسان‌ها از روحیه انعطاف‌پذیری و پذیرندگی در برابر تغییر برخوردار باشند. از این رو پیشنهاد می‌شود در آموزش‌هایی که به متربیان ارائه می‌شود از هرگونه القاء و زورگویی، تلقین و تحمیل اندیشه‌ها و باورها پرهیز شود.

تشکر و قدردانی

در پایان از کلیه صاحب‌نظران و اساتید حوزه تعلیم و تربیت به‌ویژه اساتید محترم گروه علوم تربیتی دانشگاه شهید چمران اهواز که محقق را در انجام این پژوهش یاری نمودند تشکر و قدردانی می‌گردد.

قرآن کریم.

- باقری، خسرو (۱۳۸۶). *نگاهی دوباره به تربیت اسلامی*. تهران: انتشارات مدرسه.
- باقری، خسرو (۱۳۸۹). *درآمدی بر فلسفه تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران*. جلد اول. تهران: علمی و فرهنگی.
- باقری، خسرو (۱۳۹۵). *هویت علم دینی: نگاهی معرفت شناختی به نسبت دین با علوم انسانی*. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- حراعلی، محمدبن حسن (۱۳۸۰). *جهاد النفس وسائل الشیعه*. ترجمه: علی افراسیابی، قم: نهانندی.
- رشیدی، شیرین؛ کشاورز، سوسن؛ بهشتی، سعید و صالحی، اکبر (۱۳۹۶). ارائه الگوی نظری تربیت عقلانی جهت نظام آموزش و پرورش رسمی و عمومی براساس مبانی معرفت شناختی قرآن کریم. *مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی*، ۲(۳۶): ۷.
- زرین جویی الوار، مریم و فیاض، شهیندخت (۱۳۹۶). بررسی رابطه بین روش‌های تربیتی مادران با مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان (با تأکید بر آموزه‌های تربیت اسلامی). *مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی*، ۲(۳۷-۶۰).
- سلمان ماهینی، سکنیه و فرامرز قراملکی، احد (۱۳۹۴). دلالت‌های تربیتی مفهوم قرآنی «شاکله» براساس رهیافت علامه طباطبایی در تفسیر المیزان. *علوم تربیتی از دیدگاه اسلام*، ۴(۳): ۳۵-۵۷.
- صدر، سید محمدباقر (۱۳۶۹). *سنت‌های اجتماعی و فلسفه تاریخ در مکتب قرآن*. ترجمه: حسین منوچهری. تهران: رجاء.
- طباطبایی، سیدمحمد حسین (۱۳۹۱). *تفسیر المیزان*. ترجمه: سیدمحمدباقر موسوی همدانی. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- عموری، نعیم و باوان پوری، مسعود (۱۳۹۳). تبیین و بررسی اراده و انواع آن در قرآن کریم (با تکیه بر اراده انسانی). *پژوهشنامه معارف قرآنی (آفاق دین)*، ۱۷(۵): ۳۱-۶۰.
- قرائتی، محسن (۱۳۸۳). *تفسیر نور*. تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۸ ق). *اصول کافی*. ترجمه: محمدباقر کمره ای. جلد اول، قم: اسوه.
- مبشری، محمدتقی؛ صفری، محمود و ملکی فارمد، مریم (۱۳۹۹). شناسایی مؤلفه‌های انگیزه بخش مناجات خمسہ عشر بر انس دانش‌آموزان با خدا، *مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی*، ۵(۴): ۱۲۶-۱۰۹.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۵). *تفسیر نمونه*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- ملکی، حسن (۱۳۹۰). *شاخص‌های تربیت*. تهران: آبیژ.

REFERENCES

- Banks, James A. (2012). *Encyclopedia of Diversity in Education*. Volum1, Sage Publication.
- Chen, J. (2016). Understanding Teacher emotions: The Development of a Teacher Emotion Inventor. *Teaching and Teacher Education*, 55, 68-77.
- Holt,D.T., Armenakis, A. A., Field, H. S. & Harris, S.G. (2007). Readiness for Organizational Change: The Systematic Development of a Scale. *Journal of applied Behavioral Science*, 43, 232-255.
- Ibrahim, S. & Alkaire, S. (2007). *Agency, and Empovement: A Proposal for Internationally*.
- Rafferty, A. E., Jimmieson, N. L. and Armenakis,A. A. (2013), Change Readiness: A Multilevel Review. *Journal of Manage,ent*, 39(1), 35-110.